

## علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران - سوریه (۲۰۰۰-۱۹۷۹)

رضا سیمبر<sup>۱\*</sup>

علی اسمعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

اتحاد ایران - سوریه یکی از مولفه‌های شکل‌دهنده نظم منطقه‌ای خاورمیانه است. دو کشور با وجود عدم تشابه در زبان، نژاد، مذهب و در ساختار سیاسی، اتحاد مستحکمی را در منطقه خاورمیانه تشکیل داده و تأثیرات ژرفی را در این منطقه برجای گذاشته‌اند. این مقاله دو پرسش را در دستور کار خود قرار داده است: نخست علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران - سوریه طی سالهای ۱۹۷۹-۲۰۰۰ چه بوده است؟ دوم: تأثیرات این اتحاد در موازنه تهدید منطقه‌ای طی سالهای فوق چه بوده است؟ در پاسخ به پرسش‌های بالا این فرضیه مطرح می‌شود که اتحاد ایران - سوریه به منظور موازنه تهدید در مقابل تهدیدات مشترک منطقه‌ای یعنی عراق، اسرائیل، آمریکا در دهه هشتاد و آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود بوده است. روش تحقیق در این مقاله تبیینی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است. یافته‌های این مقاله براین مبناست که با توجه به چهار اصل؛ قابلیت کلی، مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی، و نیت تهاجمی مطروحه در نظریه موازنه تهدید استیون والت، عراق، اسرائیل و آمریکا در دهه هشتاد و به ترتیب شدت و اهمیت تهدید، آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود به عنوان تهدیدات مشترک منطقه‌ای فراروی جمهوری اسلامی ایران و سوریه، عامل شکل‌گیری و تداوم اتحاد این دو کشور طی سالهای ۱۹۷۹-۲۰۰۰ بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، سوریه، اتحاد، خاورمیانه، موازنه تهدید.

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

\* نویسنده مسؤول: [Rezasimbar@hotmail.com](mailto:Rezasimbar@hotmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۹

فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۸-۷



فصلنامه علمی پژوهشی  
سیاست جهانی،  
دوره دوم، شماره دوم،  
تابستان ۱۳۹۲

## مقدمه

اتحاد ایران - سوریه<sup>۱</sup> یکی از مولفه های مهم تشکیل دهنده نظم منطقه ای در خاورمیانه است. چگونگی شکل گیری اتحاد ایران و سوریه و کارکرد آن در سیاست بین المللی خاورمیانه یکی از جذاب ترین موضوعات برای پژوهشگران حوزه مطالعاتی خاورمیانه بوده است. در خصوص شکل گیری و تداوم این اتحاد، دیدگاههای متفاوت مطرح شده است، برخی از پژوهشگران انتظار داشتند که اتحاد ایران و سوریه با پایان یافتن جنگ عراق علیه ایران، به فروپاشی برسد (Gelbart, 2010: 38). برخی نیز به تفاوت های قومی، مذهبی و ایدئولوژیکی دو کشور اشاره می نمودند و بر این اساس باور داشتند که با توجه به ساختار سیاسی سکولار سوریه و ساختار مذهبی جمهوری اسلامی ایران، این اتحاد چندان دوام نخواهد داشت (Goodarzi, 2006: 2-3). به رغم این دیدگاهها، اتحاد ایران و سوریه بعنوان یکی از با دوام ترین اتحادهای در خاورمیانه است که برای بیش از سه دهه تداوم یافته است.

در این پژوهش به بررسی اتحاد ایران - سوریه در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ یعنی فاصله زمانی بین دو نقطه عطف انقلاب اسلامی و به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه پرداخته خواهد شد، هر چند اتحاد ایران - سوریه همچنان دوام خود را حفظ کرده است، با این حال نویسندگان این مقاله علل شکل گیری و تداوم اتحاد ایران - سوریه را در دو دهه هشتاد و نود میلادی مورد بررسی و کنکاش قرار می دهند.

در زمینه اتحاد ایران - سوریه پژوهش های برجسته ای انجام شده است، از جمله کتاب «قدرتهای متوسط در نظام منطقه ای نفوذپذیر»، که اثر مشترک انوشیروان احتشامی و هینه بوش (1996)، که نویسندگان این اثر مهم ترین دلیل اتحاد ایران و سوریه را واکنش این دو قدرت متوسط منطقه ای به عوامل منطقه ای به ویژه تهدیدات مشترک غرب، اسرائیل و عراق می دانند و بر این باورند که همکاری ایران و سوریه علیه این تهدیدات در چارچوب نظریه ژئوپولتیک قابل درک است.

کتاب دیگری در این زمینه با نام «سوریه و ایران اتحاد دیپلماتیک و سیاست قدرت در خاورمیانه» اثر جوبین گودرزی (2006) است. که در این کتاب نویسنده سعی داشته ریشه ها و تحولاتی که باعث شکل گیری مشارکت استراتژیک تهران و دمشق از سال ۱۹۷۹ تا اوایل دهه اول قرن بیست و یکم شده است را توضیح دهد، نویسنده بیش از هر برهه ای بر دوره زمانی جنگ هشت ساله ایران و عراق در دهه هشتاد متمرکز شده است و



علل شکل گیری و  
تداوم اتحاد ایران -  
سوریه ( ۲۰۰۰ -  
۱۹۷۹)

1. Iran- Syria Alliance

ریشه اتحاد مذکور را در پاسخ مشترک تهران و دمشق به چالش‌های مشترک مطرح شده به وسیله عراق، اسرائیل و آمریکا در شرق مدیترانه و خلیج فارس در خلال دهه هشتاد دانسته و این گونه نتیجه گیری نموده است، که سرشت غیر ایدئولوژیک و تدافعی این اتحاد مهمترین دلایل پایداری آن هستند.

از جمله دیگر پژوهش‌های برجسته ای که در این زمینه انجام شده است می توان به مقاله «برادران واقعی: نگاهی دیگر به شبه اتحاد ایران - سوریه»، اشاره کرد که توسط دگ انگ سان در ۲۰۰۹ میلادی، نوشته شده است. نویسنده با استفاده از فرضیه «شبه اتحاد» استدلال می کند که در همکاریهای امنیتی بین‌المللی، رژیم‌ها نه تنها بر اتحادهای رسمی بلکه گاهی بر ترتیبات امنیتی غیر رسمی یعنی شبه اتحادها مبتنی هستند، بر این اساس ترتیبات همکاری امنیتی غیر رسمی پایداری تعریف می کنند که مبتنی بر پیمان‌های دفاعی دسته جمعی نیست بلکه بر موافقت‌نامه‌های ضمنی بین دو یا چند دولت استوار است. از دید نویسنده اتحاد ایران- سوریه نیز در قالب فرضیه شبه اتحاد قابل تبیین است.

مقاله دیگر «محور ایران - سوریه: یک پژوهش انتقادی» اثر جانان گلبارت (2010) است که دلیل مشارکت ایران و سوریه را ایدئولوژی مشترک ضدآمریکایی، ضدصهیونیستی و حمایت فعال از گروه‌های فلسطینی می‌داند و معتقد است مادامی که این دو کشور به این ایدئولوژی پایبند باشند، واقعیات ژئوپولتیکی آنان را مجبور می کند که به یکدیگر متعهد باشند. یک اثر برجسته به زبان فارسی در این زمینه «چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه‌ای: مطالعه موردی روابط ایران و سوریه» اثر علی امیدی (۸۷) است. در این مقاله نویسنده با استفاده از یک مدل توضیحی شش متغیره، شامل سیستم بین‌الملل، قدرت، حکومت، نقش، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و شخصیت رهبران با الهام از مدل جیمز روزنا و با قرائتی متفاوت درصدد بررسی سیاست خارجی ایران و سوریه به شکل مقایسه‌ای است و نتیجه می‌گیرد که متغیرهای سیستم بین‌الملل، ویژگی‌های اجتماعی و عوامل شخصیتی تاثیر بسزایی در نزدیکی دو کشور داشته اند، هرچند که در این فرایند سایر متغیرها را نیز بی‌تأثیر نمی‌داند.

با توجه به بررسی آثار فوق، نویسندگان درصدد بررسی علل شکل‌گیری اتحاد ایران- سوریه از زاویه و نگرشی متفاوتند، بر این اساس از چشم انداز موازنه تهدید<sup>۱</sup> استیون والت<sup>۲</sup> که تحلیل متفاوت‌تری از سایر نظریات در مورد چرایی و تداوم اتحاد ایران -

1. Balance of Threat Theory  
2. Stephen Walt

سوریه ارائه می‌دهد، در این پژوهش از چشم انداز موازنه تهدید والت به تبیین این اتحاد پرداخته خواهد شد. به نظر می‌رسد اساس شکل‌گیری این اتحاد بر مبنای تهدیدات مشترک بوده و هدف هر دو کشور در صدد موازنه در مقابل این تهدیدات در منطقه بوده اند و بدین ترتیب سئوالات محوری این مقاله بر مبنای زیر است:

۱- علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران - سوریه طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۹ چه بوده است؟

۲- تأثیرات این اتحاد در موازنه منطقه‌ای طی سال‌های فوق چه بوده است؟ فرضیه‌ای که در این مقاله در پی آزمون آن هستیم این است که «اتحاد ایران-سوریه به منظور ایجاد موازنه در مقابل تهدیدات مشترک منطقه‌ای عراق، اسرائیل و آمریکا در دهه هشتاد و آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود شکل گرفته و تداوم یافته است.

این مقاله شامل چند بخش می‌شود، بخش اول نظریه موازنه تهدید را به عنوان چارچوب نظری مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش دوم به تاریخچه‌ای مختصر از روابط ایران - سوریه قبل از انقلاب اشاره می‌شود و در بخش سوم به شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران-سوریه در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۹ می‌پردازد که خود به دو بخش فرعی تقسیم می‌شود. الف: شکل‌گیری اتحاد ایران-سوریه ۱۹۹۰-۱۹۷۹. ب. تداوم اتحاد ایران-سوریه در فاصله زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۰. در این دو بخش به بررسی پرسش‌ها و فرضیه مقاله می‌پردازیم و در پایان شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران-سوریه در قالب نظریه موازنه تهدید استیون والت بررسی می‌شود.

### ۱- چهارچوب نظری

نظریه توازن قوای رئالیستی، از برجسته‌ترین نظریاتی است که در تبیین پیدایش و تداوم اتحادهای بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما نظریه موازنه قوا با چالش‌هایی مواجه شده است. در همین راستا استیون والت به عنوان یک رئالیست تدافعی<sup>۱</sup> با ارائه نظریه موازنه تهدید سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. والت از تمایز بین قدرت و تهدید آغاز می‌نماید و بر این باور است که تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها جای دارد. والت هم‌چنین به دو راهبرد موازنه و دنباله روی می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌نماید که، آیا دولت‌ها تمایل

---

1. Defensive-Realist

دارند علیه قدرت‌های تهدیدکننده موازنه انجام دهند و یا تمایل دارند با متحد شدن با تهدیدکننده‌ترین دولت‌ها، استراتژی دنباله روی را برگزینند؟ والت پاسخ می‌دهد رفتار موازنه<sup>۱</sup> بسیار معمول‌تر از دنباله‌روی است. دنباله‌روی تنها در شرایط معینی رخ می‌دهد، یعنی هنگامی که آسیب‌پذیری دولت هدف، به سبب ضعف در قدرت ملی و عدم دسترسی به اتحادها شدت یابد، در چنین وضعیتی است که دولت مورد تهدید که موازنه را امکان‌پذیر نمی‌داند به ناگزیر راهبرد دنباله روی را اتخاذ می‌نماید (Walt, 1987: 29).

والت بر این باور است که دولت‌ها در برابر تهدید آمیزترین دولت است که مبادرت به اتحاد و ائتلاف می‌نمایند و تهدید آمیزترین دولت ضرورتاً قدرتمندترین دولت‌ها نیست، والت با این توصیف بین قدرت و تهدید تمایز قایل می‌شود. والت همچنین استدلال می‌کند که کانون نظریه موازنه قدرت، توانایی‌ها و عوامل دیگری را که دولتمردان هنگام شکل‌گیری اتحادها در نظر می‌گیرند، نادیده می‌گیرد. تهدید و نه صرف قدرت عامل نگرانی امنیتی کشورها در صحنه نظام بین‌الملل است (Walt, 1987: 21-2).

بر این اساس استیون والت با نقد نظریه موازنه قوا، نظریه موازنه تهدید را ارائه کرده است. والت در اصلاح نظریه موازنه قوا، دریافت تهدید را با توجه به عوامل زیر توصیف می‌کند:

۱- قابلیت‌های کلی<sup>۳</sup> ۲- مجاورت جغرافیایی<sup>۴</sup> (نزدیکی تهدید) ۳- قابلیت‌های تهاجمی<sup>۵</sup> ۴- نیت تهاجمی<sup>۶</sup>. قابلیت‌های کلی یک دولت شامل جمعیت، قابلیت نظامی، صنعتی و فناوری می‌تواند یک تهدید بالقوه برای دولت‌های دیگر ایجاد کند. در شرایط مساوی دولت‌هایی که نزدیک هستند خطرناک‌تر از آنهایی هستند که در فاصله دورتری واقع شده‌اند. دولت‌هایی با قابلیت تهاجمی (به معنای توانایی تهدید حاکمیت یا تمامیت ارضی دولت‌های دیگر) تهدید آمیزتر از دولت‌هایی هستند که قابلیت‌هایشان تدافعی است. سرانجام دولت‌هایی که نیاتشان تهاجمی‌تر دریافت می‌شود، برای دیگر دولت‌ها تهدید آمیزتر جلوه می‌نمایند و در این خصوص می‌افزاید که کشورهایی با قدرت کمتر گاهی به عنوان تهدیدکننده‌ترین دولت‌ها دریافت شده‌اند و موجب شکل‌گیری

1. Balancing Behavior
2. Bandwagoning Behavior
3. Overall Capabilities
4. Geographic Proximity
5. Offensive Capability
6. Aggressive Intentions

اتحادهایی بر ضد خود شده‌اند. به طور مثال ائتلافی که در جنگ اول و دوم آلمان را شکست داد از نظر منابع قدرت بسیار برتر از آلمان بود اما آنها زمانی گرد هم جمع شدند که اهداف تجاوزکارانه آلمان خطر بزرگ‌تری را ایجاد کرد (Walt, 1987: 22-5).

از چشم انداز والت افزایش در هر یک از این عوامل قابلیت‌های کلی، مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و نیت تهاجمی دولت‌های دیگر را برای متحد شدن علیه تهدیدکننده‌ترین قدرت ترغیب می‌نماید (Walt, 1987: 15). والت در اثبات فرضیه خویش مثال‌هایی از خاورمیانه ارائه می‌کند و در مطالعاتی که از این منطقه انجام داده، تلاش قابل ملاحظه‌ای در تحقیقش بر روی تعهدات دو جانبه دولت‌ها انجام داده است و نتیجه می‌گیرد که دولت‌ها غالباً بر علیه تهدید آمیزترین دولت، دست به توازن می‌زنند. به عبارتی دولت‌ها به توازن قوا گرایش دارند و دنباله روی را تنها هنگامی اتخاذ می‌نمایند که گریزی از آن نداشته باشند (Walt, 1987: 11).

به باور والت ایدئولوژی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اتحادها ندارد و ایدئولوژی‌های وحدت بخش بیش از همبستگی سبب افتراق در سیاست بین‌المللی می‌شوند. یافته‌های والت نشان می‌دهد که اهمیت تفاوت‌های ایدئولوژیکی هنگام افزایش سطح تهدید، کاهش می‌یابد و وقتی که عوامل ایدئولوژیک و ملاحظات امنیتی همدیگر را تقویت می‌کنند استحکام اتحادها بیشتر است، بنابراین ایدئولوژی مشترک می‌تواند تنها نقشی تسهیل‌کننده در شکل‌گیری اتحادها داشته باشد (Walt, 1987: 38-9).

نکته مهم و پایانی این است که والت می‌گوید: کمک خارجی و همچنین نفوذ نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اتحادها ندارند (Walt, 1987: 41-8). بنابراین شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران - سوریه در منطقه در دهه‌های هشتاد و نود در قالب نظریه موازنه تهدید قابل تبیین است.

## ۲- روابط ایران و سوریه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ که روابط دیپلماتیک بین ایران و سوریه برقرار شد تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ روابط بین دو دولت برغم نزدیکی در سالهای اولیه، تا ۱۹۷۹ بین دشمنی تمام عیار و صلح سرد در نوسان بوده است. روابط دو کشور در سال ۱۹۷۰ با به قدرت رسیدن حافظ اسد در یک کودتا تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، متأثر از روابط سوریه-عراق و روابط ایران - عراق و تهدیدات منطقه‌ای بوده است. با وخامت روابط ایران و عراق در اوایل دهه هفتاد، روابط ایران و سوریه بهبود قابل توجهی پیدا کرد و ایران صدها میلیون دلار وام و کمک مالی به سوریه

اعطا کرد و این گرمی روابط منجر به افزایش سطح مبادلات دیپلماتیک بین دو کشور شد که اوج آن سفر حافظ اسد رئیس جمهور سوریه به ایران در دسامبر ۱۹۷۵ بود (Goodarzi,2006:13-16).

اما این پیوند نزدیک چندان دوام نیاورد، در نیمه دوم دهه هفتاد با گرم تر شدن روابط آمریکا و مصر و تصمیم سادات برای پیگیری صلح جداگانه با اسرائیل و پیوندهای نزدیک شاه با قاهره و واشنگتن، اسد امیدوار بود که شاه را مجاب کند که از نفوذش برای متقاعد کردن آمریکاییها به منظور اتخاذ یک رهیافت متوازن برای حل منازعه اعراب-اسرائیل استفاده کند ولی شاه از پذیرش این درخواست سرباز زد و به جای آن ابتکار صلح انور سادات را نسبت به اسرائیل تشویق کرد (Goodarzi,2006:16). در نتیجه در اواخر دهه هفتاد شکاف بین تهران و دمشق افزایش یافت. بنابراین هنگامی که شاه در فوریه ۱۹۷۹ از قدرت خلع شد، اسد تغییر رژیم ایران را تحولی خوشایند یافت و با توجه به موضع گیری های ضد صهیونیستی و ضد امریکایی جمهوری اسلامی ایران، در صدد برقراری پیوندهایی نزدیک با تهران برآمد که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

### ۳- علل شکل گیری و تداوم اتحاد ایران- سوریه ۱۹۹۰-۲۰۰۰

بررسی اتحاد ایران- سوریه در سال های ۱۹۷۹-۲۰۰۰ را می توان به دو بخش فرعی تقسیم کرد الف: علل شکل گیری اتحاد ایران- سوریه ۱۹۷۹-۱۹۹۰ ب: تداوم اتحاد ایران - سوریه ۱۹۹۰-۲۰۰۰

#### الف: علل شکل گیری اتحاد ایران- سوریه ۱۹۷۹-۱۹۹۰

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تغییراتی بنیادین در سیاست خارجی این کشور صورت گرفت، اولین سفارت فلسطین در تهران تاسیس شد (Galbert,2010:37). بعلاوه، ایران روابط دیپلماتیکش را با مصر قطع کرد، از پیمان سنتو خارج شد و به جنبش عدم تعهد پیوست، که همگی این موارد نشانه هایی از تحول در سیاست خارجی ایران محسوب می شدند (دهقانی، ۱۳۸۸: ۳۰۱-۲۵۵).

تغییرات انقلابی در ایران ۱۹۷۹، امواجی عظیم در منطقه به ویژه جهان عرب ایجاد کرده و برخی حکومت ها که پیوندهای نزدیک با حکومت سابق ایران داشتند را نگران نموده و برخی دیگر را که گرایش های ضد امریکایی و ضد صهیونیستی داشتند را به شدت خرسند ساخت. اولین کشوری که در جهان عرب نظام جدید ایران را به رسمیت شناخت سوریه بود، که ایران انقلابی را به عنوان یک متحد جدید قدرتمند اعراب در

منازعه علیه اسرائیل می‌دید (Goodarzi, 2006: 23) و از نقش رژیم پیشین در تقویت منافع اسرائیل به شدت خشمگین بود، پیروزی انقلاب اسلامی و جهت‌گیری ایدئولوژیک ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی آن، اگرچه سبب نزدیکی ایران و سوریه شد اما به نظر نمی‌رسد دلیل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران- سوریه این عامل بوده باشد بلکه عامل اصلی شکل‌گیری و تداوم این اتحاد تهدیدات مشترک دریافت شده برای دو دولت بود، که موجب گسترش همکاری‌های سیاسی و امنیتی ایران و سوریه شد.

براساس نظریه موازنه تهدید استیون والت چهار اصل قابلیت‌های کلی، مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و نیات تهاجمی دریافت شده، باعث دریافت تهدید از سوی کشورها می‌شود و در نتیجه کشورها برای مقابله با آن به موازنه تهدید روی می‌آورند در این بخش ما درصدد هستیم با استفاده از این نظریه، اتحاد ایران - سوریه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

در سال‌های ۱۹۹۰- ۱۹۷۹ بازگرانی از جمله عراق، اسرائیل و آمریکا به عنوان تهدیداتی مشترک علیه ایران و سوریه مطرح بودند که در ذیل به بررسی این تهدیدات می‌پردازیم.

۱- عراق: انقلاب اسلامی ایران تبعاتی در خاورمیانه به دنبال داشت و بر ثبات حکومت‌های مستبد منطقه تاثیر گذاشت. یکی از این کشورها که بیشترین تأثیر را به دلیل مجاورت و تشابه مذهبی اکثریت مردمش با ایران پذیرا شد، عراق بود. این کشور که با یک حکومت اقلیت سنی و سکولار اداره می‌شد از سرایت امواج انقلاب ایران به شدت دچار واگم شد و برای مقابله با نظام جدید در ایران به اقدامات خصمانه‌ای دست زد که این اقدامات موجب شکل‌گیری تصور تهدید رهبران ایران از عراق شد که می‌توان به برخی از آنها در ذیل اشاره کرد.

در بهار و تابستان ۱۹۷۹ عراق از نیروهای تجزیه طلب عرب، کرد و بلوچ حمایت تبلیغاتی، مالی و تسلیحاتی کرد. در خوزستان، عراق از تجزیه طلبان پشتیبانی نمود که تاسیسات نفتی را مورد حمله قرار دهند و حداکثر تلاش برای تشویق ناآرامی‌ها را در این منطقه و تضعیف ثبات سیاسی ایران به کار برد. در اول نوامبر ۱۹۷۹ عراق خواهان تجدید نظر در قرارداد الجزایر (رها کردن حاکمیت مشترک بر اروندرود) و اعطای خودمختاری به اقلیت‌های کرد، اعراب و بلوچ در ایران و عقب نشینی از جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در خلیج فارس شد (Goodarzi, 2006: 19-27).

بعلاوه خریدهای نظامی گسترده عراق در سال ۱۹۷۹ در مقایسه با سال قبل از آن (جعفری- ولدانی، ۱۳۸۰: ۱۲۶)، با توجه به اینکه این کشور با تهدیدی نظامی در منطقه



روبه‌رو نبود و ایران تنها رقیبش در منطقه نیز به دلیل اتخاذ سیاست صلح‌گرای دولت موقت، بسیاری از قراردادهای خرید نظامی خود را از خارج لغو و خدمت نظامی سربازی را کاهش داده بود، بسیار پرسش برانگیز بود (دهقانی، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

جنگ تبلیغاتی شدید، ایجاد درگیری‌های مرزی مداوم، اظهارات شدیدالحن و مکرر صدام حسین رئیس‌جمهور عراق و آماده‌سازی‌های نظامی و سیاسی عراق بر علیه ایران از آوریل تا جولای ۱۹۸۰ تهدید عراق را برای رهبران ایران به شدت افزایش داد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). سرانجام در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ با لغو رسمی قرارداد الجزایر از سوی عراق، این کشور در ۲۲ سپتامبر به ایران حمله کرد (Goodarzi, 2006: 33). بدین ترتیب تهدید عراق برای ایران به اوج رسید و این وضعیت هشت سال این‌گونه ادامه یافت. در اواخر دهه هشتاد یعنی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۸ تهدید عراق برای ایران همچنان شدید باقی ماند. با وجود پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ماه اوت ۱۹۸۸ از سوی ایران، مواضع غیر اصولی عراق در مذاکرات صلح با ایران بدون توجه به اجرای قطعنامه ۵۹۸، وضعیت نه جنگ و نه صلح و اشغال ۲۳۶۳ کیلومتر مربع از اراضی ایران تا ماه اوت ۱۹۹۰ (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۰: ۸۲)، به همراه توسعه مداوم برنامه‌های نظامی (Ehteshami, 1995: 151) و سیاست خارجی تهاجمی این کشور در منطقه باعث شد که در ارزیابی از شدت تهدید عراق از سوی ایران تغییری ایجاد نشود.

تهدید عراق برای سوریه به شکلی دیگر مطرح بود با فروپاشی سریع ائتلاف ضد کمپ دیوید با عراق و ناکامی مذاکرات دو شاخه حزب بعث در عراق و سوریه بر سر طرح وحدت دو کشور، سپس جنگ شدید تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه سوریه، اسد در دو سوی مرزهایش در شرق و جنوب در مقابل عراق و اسرائیل تحت فشار شدید قرار گرفت (Ehteshami and Hinnloush, 1997: 72)، (هینه بوش، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

حمله عراق به ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ هم‌زمان با جنگ شدید و سخت اسد در مقابل مبارزه بی‌رحمانه سازماندهی شده اخوان المسلمین با کمک عراق در پاییز ۱۹۸۰، دو کشور ایران و سوریه را نسبت به تهدید عراق بسیار به هم نزدیک ساخت. (Goodarzi, 2006: 38) هر چند تهدید عراق برای سوریه بعد از سرکوب اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۸۲، اندکی از شدت آن کاسته شد اما در اواخر دهه هشتاد به اوج خود رسید چرا که عراق پس از پایان جنگ هشت ساله در صدد تنبیه سوریه به خاطر حمایت‌هایش از ایران بود و در این راستا جنگی نیابتی را علیه دمشق از طریق حمایت تسلیحاتی از نیروهای مارونی به رهبری ژنرال عون با هدف تضعیف تلاش‌های سوریه برای کنترل مجدد اوضاع در لبنان به راه انداخت و از سوی دیگر در جبهه دیپلماتیک

تلاش کرد حمایت اعراب را علیه حضور نظامی سوریه در لبنان و محکومیت اقدامات اسد را فراهم کند. عراق همچنین با تشکیل شورای همکاری عرب (ACC) متشکل از عراق، مصر، اردن و یمن شمالی درصدد انزوای شدید سوریه در جهان عرب بود. اکنون سوریه تنها دولت عربی بود که در هر سه صف بندی موجودی که در جهان عرب وجود داشت یعنی شورای همکاری خلیج فارس، شورای همکاری عرب و اتحادیه مغرب عضویت نداشت (Goodarzi, 2006: 283-7). این وضعیت یعنی شدید بودن تهدید عراق از دید سوریه تا ماه اوت ۱۹۹۰ یعنی هنگام حمله عراق به کویت ادامه داشت.

۲- اسرائیل: یکی دیگر از تهدیدات مشترک برای ایران- سوریه در دهه هشتاد اسرائیل بود. اگرچه یکی از مولفه‌های نظریه موازنه تهدید، مجاورت جغرافیایی است و اسرائیل نیز مرز مشترکی با ایران نداشت ولی قابلیت‌های کلی (با کمک آمریکا) و نظامی متعارف و غیر متعارف به ویژه انحصار تسلیحات هسته‌ای در منطقه و نیت تهاجمی این رژیم که از راهبرد بازدارندگی بر اساس حمله پیشگیرانه اش دریافت می شد، سبب شد که این رژیم به مثابه تهدیدی جدی برای ایران تلقی شود. استراتژی بازدارندگی بر اساس حمله پیشگیرانه اسرائیل، به معنای حمله پیشگیرانه به منظور ویران نمودن قابلیت های مهلک دشمنان اسرائیل است که پیش از آنکه آنها به منصف ظهور برسانند مورد هدف این رژیم قرار گرفته و نابود شوند. حمله به راکتور اتمی در حال ساخت عراق در اوزیراک در ژوئن ۱۹۸۱، از موارد بارز این استراتژی بود که نگرانی جدی برای کل منطقه از جمله ایران محسوب می‌شد (جونز، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

اقدام دیگر تهدیدآمیز اسرائیل بر علیه ایران در آغاز دهه هشتاد، افشای نقش این رژیم در تحریک عراق برای حمله به ایران با ارائه اطلاعات غلط به رژیم عراق درباره ضعف نیروهای مسلح ایران بود، که با این کار عراق را به جنگ با ایران تحریک کرد. اسرائیل همچنین درصدد تاثیر گذاری بر جنگ عراق علیه ایران بود بگونه ای که این جنگ به جنگی فرسایشی تبدیل شود و توان دو کشور را که از رقبای اسرائیل در منطقه بودند به تحلیل برسد (Ehteshami and Hinnebusch, 1997: 94).

از مولفه‌های موازنه تهدید، دریافت نیت تهاجمی است. رهبران انقلابی ایران در دهه هشتاد، اسرائیل را رژیمی اشغالگر، عامل استعمار غرب و ژاندارم حفظ وضع موجود می- دانستند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۸۲). بنابراین می‌توان گفت که از دید جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل تهدیدی برای ایران محسوب می‌شد.

تهدید اسرائیل برای سوریه در مقایسه با تهدید اسرائیل برای ایران در دهه هشتاد شدت بیشتری داشت. داشتن مرز مشترک با اسرائیل، شکست سنگین در جنگ ۱۹۶۷ و

اشغال اراضی این کشور از سوی رژیم اسرائیل، تلاش‌های یک جانبه مصر بعد از جنگ برای رسیدن به یک موافقت‌نامه صلح جداگانه که منجر به موافقت‌نامه سینای مصر-اسرائیل در سپتامبر ۱۹۷۵ شد، دیدار تاریخی سادات از اسرائیل در نوامبر ۱۹۷۷ و امضای قراردادهای کمپ دیوید در مارس ۱۹۷۹ با اسرائیل، دمشق را بیشتر منزوی کرد. زیرا با خارج شدن مصر، سودمندی هر اقدام نظامی از سوی سوریه در پاسخ به تجاوز اسرائیل شدیداً کاهش یافت (Goodarzi, 2006: 16). وضعیت در سال ۱۹۷۹ برای سوریه باز هم بدتر شد زمانی که طرح وحدت عراق-سوریه و ائتلاف ضدکمپ دیوید میان این دو کشور فرو پاشید و حمایت عراق از شورش مسلحانه اخوان المسلمین علیه دولت سوریه باعث وخامت روابط دو کشور و سرانجام قطع روابط دیپلماتیک آنها در اکتبر ۱۹۸۰ شد و سوریه را از هر دو سوی مرزهایش در شرق و جنوب در مقابل عراق و اسرائیل تحت فشار شدید قرار داد و اسرائیل را به این فکر انداخت که با حمله به لبنان (حیات خلوت سوریه) و ایجاد یک دولت دست نشانده مارونی در آنجا و انعقاد موافقت‌نامه جداگانه صلح با آن کشور، سوریه را در انفعال شدید قرار دهد (Goodarzi, 2006: 61-2). با حمله اسرائیل به لبنان در ۶ ژوئن ۱۹۸۲ این ایده محقق شد. به دنبال آن با انعقاد یک موافقت‌نامه همکاری استراتژیک بین آمریکا و اسرائیل، قدرت تهاجمی اسرائیل نسبت به سوریه باز هم افزایش یافت (الشازلی و هینه بوش، ۱۳۹۰: ۱۵۷). حتی بعد از عقب‌نشینی اسرائیل به منطقه خود خوانده کمربند امنیتی در جنوب لبنان بعد از سال ۱۹۸۵ تهدید اسرائیل برای سوریه شدید باقی ماند.

۳- آمریکا: با پیروزی انقلاب اسلامی، استراتژی دو ستونی آمریکا در منطقه خلیج فارس فرو ریخت. با خارج شدن ایران با موقعیت حساس ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیکی از اردوگاه غرب، شکستی عظیم برای سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه رقم خورد. آمریکا برای مقابله با نظام جدید در ایران از همان ماه‌های نخستین با حمایت از برخی جریانات مخالف در صدد بی‌ثبات‌سازی کشور بود (متقی، ۱۳۸۷: ۳۱-۱۵). پذیرش شاه در آمریکا به بهانه معالجه در ۲۸ مهر ۵۸ سوءظن انقلابیون در تهران را به تکرار ۲۸ مردادی دیگر برانگیخت که در کنار دیگر عوامل به اشغال سفارت آمریکا در تهران انجامید. ایران اقدامات آمریکاییها را متعاقب اشغال سفارت آن کشور، بمانند توقف کلیه دارایی‌ها و اموال ایران در آمریکا، اخراج دیپلمات‌های ایرانی از آمریکا، تحریم‌های یک جانبه علیه ایران، قطع کلیه نقل و انتقالات ارزی، قطع صادرات کلیه محموله‌های نظامی که قبلاً توسط ایران از آمریکا خریداری شده بود، قطع روابط ارتباطی با ایران، شرکت مستقیم و غیر مستقیم در حمله به طیس در اردیبهشت ۵۹ و کودتای نوژه در تیر ۵۹ و

تحریک و تشویق عراق برای حمله به ایران را خصمانه تلقی کرد (دهقانی، ۱۳۸۸: ۳۳۸-۳۱۵). تهدید آمریکا برای منافع ایران بدین جا ختم نشد و این کشور با اعطا کمک‌های اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و سرانجام با ورود ناوگان آمریکا در خلیج فارس و دخالت فعال در سالهای پایانی جنگ به نفع عراق علیه ایران نقش مهمی در تغییر سرنوشت جنگ ایفا کرد (Goodarzi, 2006: 280-1).

بنابراین می‌توان گفت که در طول دهه هشتاد از دید رهبران ایران، آمریکا تهدیدی حیاتی برای ایران محسوب می‌شد. هر چند با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، انتظار می‌رفت از تهدید این کشور برای ایران کاسته شود ولی ادامه حضور ناوگان آمریکا پس از پایان جنگ در خلیج فارس و سیاست‌های خصمانه اش بر علیه ایران سبب می‌شد که ایران همچنان به آمریکا به مثابه یک عامل نگرانی بنگرد.

تهدید آمریکا برای سوریه با موجودیت رژیم غاصب اسرائیل ارتباط مستقیم داشت. حمایت‌های مداوم و روابط ویژه آمریکا و اسرائیل از دهه شصت به بعد همواره تهدیدی شدید برای دولت‌های خط مقدم مبارزه با اسرائیل به ویژه سوریه به شمار می‌رفت. نقش آمریکا در حمایت از اشغالگری و تجاوزات اسرائیل در شورای امنیت و دیگر مجامع بین‌المللی و همکاری‌های گسترده نظامی با این رژیم موازنه قوا را به شکل چشمگیری به نفع اسرائیل برهم زده بود.

چراغ سبز آمریکا به رژیم صهیونیستی در حمله به لبنان و دخالت فعال به نفع این رژیم در این حمله و امضای یک یادداشت تفاهم بین آمریکا و اسرائیل در زمینه همکاری سیاسی و استراتژیک در سال ۱۹۸۳ (Goodarzi, 2006: 93-9)، نشان دهنده شدید بودن تهدید آمریکا برای سوریه در اوایل دهه هشتاد بود. اگرچه آمریکایی‌ها در سال ۱۹۸۴ با فشار و مقاومت نیروهای لبنانی مورد حمایت ایران و سوریه از لبنان خارج شدند و اسرائیل نیز به منطقه خودخوانده کمربند امنیتی در جنوب لبنان عقب نشینی کرد ولی تهدید آمریکا همچنان برای سوریه باقی بود. به ویژه که در اواخر دهه هشتاد با درگیری نیروهای ژنرال عون با ارتش سوریه در لبنان که علاوه بر عراق مورد حمایت اسرائیل نیز بود آمریکا در این زمینه با سیاست اسرائیل همسو بود.

در یک ارزیابی از این بخش می‌توان گفت عامل اصلی تشکیل اتحاد ایران - سوریه در دهه هشتاد تهدیدات مشترک بوده است. بر اساس نظریه موازنه تهدید، کشورها در مقابل تهدیدات مشترک به موازنه روی می‌آورند و ایران و سوریه نیز در دهه هشتاد با تهدیدات مشترکی چون عراق، اسرائیل و آمریکا مواجه بودند و برای مقابله با این تهدیدات مشترک با تشکیل اتحاد در مقابل آن به موازنه دست زدند، تا قابلیت تهاجمی

عراق، اسرائیل و آمریکا در خلیج فارس، شرق مدیترانه و خاورمیانه را خنثی کنند. تأثیر اتحاد ایران - سوریه در برقراری موازنه در منطقه دو گونه بود. در نیمه اول دهه هشتاد، اتحاد ایران - سوریه در ایجاد موازنه در مقابل تهدیدات (دشمنان) مشترکشان موفق بودند. استراتژی دقیق و بخوبی طراحی شده آنان منجر به اخراج ارتش عراق از اراضی ایران تا سال ۱۹۸۲، خروج سربازان آمریکایی از بیروت در سال ۱۹۸۴ و عقب‌نشینی اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۵ از بیشتر اراضی لبنان شد. اما در نیمه دوم دهه ۸۰ اتحاد ایران - سوریه در برقراری موازنه در منطقه خلیج فارس به دلیل دخالت فعال آمریکا در جنگ ایران-عراق و تغییر سرنوشت جنگ به نفع عراق ناموفق بود ولی در شرق مدیترانه با شکست نیروهای ژنرال عون در لبنان که از حمایت‌های عراق و اسرائیل برخوردار بود موفق بود.

ب- تداوم اتحاد ایران - سوریه ۲۰۰۰-۱۹۹۰: در آغاز دهه نود، دو رویداد مهم منطقه‌ای و بین‌المللی یکی حمله عراق به کویت و دیگری فروپاشی شوروی تأثیراتی شگرف بر تحولات منطقه و جهان از جمله اتحاد ایران - سوریه بر جای گذاشت. با پیروزی قاطع ائتلاف غرب به رهبری آمریکا بر علیه عراق و فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی، نوع و سطح تهدیدات فراروی اتحاد ایران-سوریه نیز تغییر یافت. با توجه به تغییرات پدید آمده در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، تهدیدات مشترک ایران-سوریه را در دهه نود به ترتیب شدت و اهمیت می‌توان از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی، ترکیه و عراق دانست که در این بخش به بررسی و سپس ارزیابی این تهدیدات می‌پردازیم.

۱- آمریکا: ایالات متحده پس از آزادسازی کویت، درصدد استقرار نظمی آمریکایی در منطقه خلیج فارس از طریق انعقاد قراردادهای نظامی - امنیتی با کشورهای منطقه و استقرار ناوگان پنجم این کشور در خلیج فارس و به عبارتی ایجاد ترتیبات امنیتی بدون حضور ایران در منطقه‌ای که برای ایران بسیار مهم تلقی می‌شد، برآمد (دهقانی، ۱۳۸۸، ۳۹۴). آمریکا همچنین در چارچوب سیاست مهار دوجانبه (Dual Containment) از یک سو با جنگ گسترده تبلیغاتی و طرح اتهامات بی اساس مانند یاغی، غیرقانونی، خطرناک‌ترین کشور دنیا و اتهام بی اساس تلاش برای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی درصدد مشروعیت زدایی از حکومت ایران در صحنه بین‌المللی برآمده و از سوی دیگر با اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی درصدد تضعیف و در نهایت تغییر نظام سیاسی ایران بود (Hunter, 2010:5). بنابراین از دید ایران تهدید آمریکا در مقایسه با دهه هشتاد به دلیل حاکم بودن نظام تک قطبی بر نظام بین الملل و زیر سیستم آن در منطقه خلیج فارس شدیدتر شده بود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۵).

تهدید آمریکا برای سوریه در دهه نود بدون اشاره به نقش اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن در برقراری موازنه منطقه‌ای و جهان در دهه هشتاد بی‌معنا خواهد بود. فروپاشی شوروی به معنای از بین رفتن حامی اعراب از جمله سوریه در منازعه با اسرائیل بود. مناقشه اعراب و اسرائیل یکی از آوردگاه‌های دو ابرقدرت به شمار می‌رفت به گونه‌ای که هر یک از دو ابر قدرت تلاش می‌کرد با پشتیبانی از متحدین خود از نفوذ یک جانبه دیگری در منطقه خاورمیانه جلوگیری کند (دهقانی، ۱۳۸۸: ۳۹۵).

سوریه در سال ۱۹۹۰ با آگاهی از تضعیف شدید اتحاد جماهیر شوروی و ظهور تک قطبی امریکایی، سعی کرد بجای قربانی شدن به وسیله این نظم بر آن تأثیر گذارد. بر اساس نظریه موازنه، دولت‌های ضعیف هنگامی که دریابند که توان رویارویی با تهدید آمیزترین دولت را ندارند سعی می‌کنند با منبع خطر که دولت یا دولت‌های تهدید کننده است متحد شده و از آن دنباله روی کنند و از این طریق تهدید یا تهدیدات آنان را خنثی کنند (Walt, 1987: 29).

تصمیم سوریه به شرکت در ائتلاف غرب برای آزادسازی کویت به رهبری آمریکا و پیوستن به فرایند صلح در سال ۱۹۹۱ را می‌توان سیاست دنباله روی تلقی کرد. به عبارت دیگر سوریه درصدد بود برای مقابله با تهدید آمریکا با این کشور متحد شود و در نظم جدید تک قطبی به رهبری آمریکا از حاشیه ای امن برخوردار شده و از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج شود. ولی آمریکا نه تنها این کار را نکرد بلکه با اقدام علیه لیبی بر سر این اتهام، سوریه را به شکل ضمنی تهدید کرد که می‌تواند هدف بعدی باشد (Hinnebusch, 2001: 156). ترغیب سازمان آزادیبخش فلسطین و اردن به امضای موافقت نامه و قرارداد صلح جداگانه با اسرائیل در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۴ (Ehteshami and Hinnebusch, 1997: 81-4) و ادامه تقویت موقعیت نظامی اسرائیل از سوی آمریکا و بن‌بست مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل، موجب بازنگری سوریه در سیاست دنباله روی از آمریکا و بازگشت به سیاست موازنه در اواسط دهه نود به منظور مقابله با تهدیدات ایالات متحده شد (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۲). بنابراین از دید مقامات سوریه از اواسط دهه نود به بعد آمریکا تهدیدی جدی برای امنیت ملی سوریه تلقی می‌شد که می‌بایست با آن مقابله کرد.

۲- اسرائیل: یکی دیگر از تهدیدات مشترک ایران - سوریه، اسرائیل بود. اقدامات اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ علیه امنیت ملی ایران را می‌توان منطبق با استراتژی ایالات متحده علیه ایران در این دهه دانست. اسرائیل در این دهه کوشید با رخنه در اطراف مرزهای ایران و تشکیل ائتلاف‌های امنیتی، ایران را به محاصره درآورد و در جناح غربی

با نفوذ در ترکیه و شمال عراق و در جناح شمالی با نفوذ در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی و در جناح جنوبی با نفوذ در کشورهای خلیج فارس به ویژه قطر، امنیت ملی ایران را به مخاطره اندازد. مهم‌ترین اقدام تهدیدآمیز اسرائیل علیه امنیت ملی ایران، امضای پیمان نظامی این رژیم با ترکیه در سال ۱۹۹۶ بود که به اسرائیل اجازه می‌داد تا در مرزهای غربی ایران حضور یافته و قابلیت خود را برای تهدید جمهوری اسلامی ایران افزایش دهد. با توجه به نیت تهاجمی این رژیم برای تهران، این پیمان خطری بسیار جدی برای امنیت ملی ایران بود. مارتین کرامر مدیر انستیتوی دایان در تل آویو درباره این پیمان اظهار داشته است که: بر اساس این پیمان اسرائیل قادر خواهد بود برای تامین امنیت خود اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۸۳).

از دیگر نمودهای تهدید اسرائیل بر علیه ایران، افزایش شدید قابلیت تهاجمی این رژیم در زمینه سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف در دهه ۹۰ بود که برتری قاطعی بر جمهوری اسلامی ایران در این زمینه کسب کرده بود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۵۱).  
بعلاوه در صورتی که مذاکرات اعراب - اسرائیل با حمایت آمریکا به ثمر می‌نشست، با استقرار نظم آمریکایی - اسرائیلی در منطقه، سیاست‌های اسرائیل سبب انزوای شدید، کاهش نفوذ و تضعیف نقش آفرینی ایران در منطقه می‌شد که تهدیدی برای ایران بود. وجه جدید تهدید اسرائیل علیه امنیت ملی ایران در دهه نود، نقش لابی یهود در سیاستگذاری دولت آمریکا نسبت به ایران بود که در اتخاذ سیاست مهار دوجانبه و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه اقتصادی و مالی ایالات متحده علیه ایران نقش بارز و قابل توجهی داشت (Fayazmanesh, 2008: 58-65).

تهدید اسرائیل برای سوریه در دهه نود در مقایسه با تهدید اسرائیل برای ایران شدت بیشتری داشت. با انعقاد موافقت‌نامه صلح ۱۹۹۳ اسلو بین اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین و قرارداد صلح ۱۹۹۴ بین اسرائیل و اردن، سوریه که در دهه ۸۰ تلاش زیادی برای برهم زدن موافقت‌نامه جداگانه صلح بین اعراب و اسرائیل انجام داده بود، در این دهه با این واقعیت تلخ روبه‌رو شد که در مواجهه با اسرائیل از سوی اعراب تنها مانده است. برتری قاطع اسرائیل در تسلیحات متعارف و غیرمتعارف نسبت به سوریه و حمایت‌های گسترده ایالات متحده از اسرائیل و پیمان نظامی میان اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۶ سوریه را در معرض مخاطراتی شدید قرار می‌داد (Goodarzi, 2013: 46-7).

۳- ترکیه: ترکیه در طول بحران کویت در سال ۱۹۹۱، در زمینه‌های سیاسی و تسهیلاتی با ائتلاف به رهبری آمریکا بر علیه عراق همکاری نمود. هرچند این اقدامات

جنبه ضد عراقی داشت، معهدا به ایران نیز مربوط بود. اگر ایران بعنوان تهدیدکننده منافع غرب در خلیج فارس تلقی می‌شد، ممکن بود در معرض مداخله غرب از طریق ترکیه قرار گیرد. ترکیه همچنین مبادرت به تماس‌هایی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به منظور ارتقاء نقش خود در امنیت خلیج فارس نمود، این اقدامات تهدیداتی علیه امنیت ملی ایران تلقی می‌شدند (Ehteshami, 1995: 156). اقدام دیگر که چالشی بین ایران و ترکیه ایجاد کرد، مداخله ترکیه در شمال عراق به بهانه سرکوب کردها و ادعای ارضی نسبت به منطقه موصل در شمال عراق بود که سبب نگرانی شدید ایران شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۶۴).

ترکیه در نوامبر ۱۹۹۱ دو ماه قبل از فروپاشی شوروی، اقداماتی را در چارچوب توسعه روابط با ترک‌های جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به انجام رساند و در این راستا جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت. این جریان را می‌توان تمایل مجدد ترکیه در جهت احیای نفوذ دوره امپراطوری عثمانی تلقی کرد (Ehteshami, 1995: 156). ترکیه همچنین با نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، نقش مهمی در استراتژی آمریکا برای محروم کردن ایران از ترانزیت انرژی آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای بین‌المللی انجام داد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۷۸).

جدی‌ترین اقدام تهدیدآمیز ترکیه علیه منافع ملی ایران در دهه نود که موازنه را به ضرر ایران و متحدش سوریه برهم زد، هم‌پیمانی ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۹۶ بود که نقطه عطفی در نظم نوین منطقه‌ای خاورمیانه تحت سلطه آمریکا بود. این پیمان تهدیدی استراتژیک و آشکار برای ایران بود و امنیت مناطق غربی و شمالی ایران را در معرض تهدید جدی قرارداد (الشازلی و هینه بوش، ۱۳۹۰: ۱۵۰). به دنبال امضای این پیمان، هواپیماهای ترکیه چندین بار به بهانه مبارزه با چریک‌های پ.ک.ک به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده و خسارات و تلفاتی را وارد کردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۶۳). بنابراین می‌توان گفت که در دهه نود ترکیه برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شکل تهدیدی برای امنیت ملی ایران ظاهر شد و نگرانی رهبران ایران را برانگیخت.

ترکیه در دهه نود به دو شکل، تهدیدی استراتژیک برای سوریه نیز بود. اول تلاش ترکیه برای استفاده از آب رودخانه فرات به عنوان اهرم سیاسی علیه دولت سوریه که با توجه به وابستگی شدید این کشور به آب این رودخانه، تهدیدی جدی برای امنیت ملی سوریه محسوب می‌شد (Hinnebusch, 2001: 157). دوم انعقاد پیمان نظامی میان ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۹۶ بود که سوریه را از سمت شمال و جنوب در محاصره ترکیه و



اسرائیل قرار داد و سوریه مجبور شد زیر فشار شدید هم پیمانی ترکیه و اسرائیل به منظور پرهیز از جنگ در دو جبهه، در اکتبر ۱۹۹۸ تسلیم خواست آنکارا شده و رهبر پ. ک. ک را از بقاع اخراج کند (Rubin, 2007: 120) که ضربه سنگینی بر اعتبار منطقه ای سوریه وارد آورد.

۴- عراق: چهارمین تهدید مشترک ایران- سوریه در دهه ۹۰ بود. بغداد با وجود تصویب قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد در مورد اعمال محدودیت بر برنامه‌های نظامی عراق پس از شکست از ائتلاف غرب در سال ۱۹۹۱ (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۴)، همچنان به توسعه فناوری تسلیحاتی خود اصرار داشت که بارزترین نمود آن اقدام به هشت مورد آزمایش موشکی بود که بازتاب گسترده‌ای در سطح جهانی داشت (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

میزبانی و حمایت از برخی معارضین جمهوری اسلامی، ادامه تهدیدات صدام حسین، وضعیت نه جنگ و نه صلح و عدم انعقاد پیمان صلح میان دو کشور باعث می‌شد که عراق همچنان یک خطر واقعی برای امنیت ملی ایران به شمار رود (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

عراق برای سوریه نیز در دهه نود همچنان یک تهدید به‌شمار می‌رفت. با توجه به مواضع ضد عراقی سوریه در دو جنگ اول و دوم خلیج فارس، اسد همواره از انتقام صدام حسین در هراس بود (Ehteshami and Hinnebusch, 1997: 111). با وجود گشایش محدود روابط دو کشور در اواخر دهه نود که انگیزه صرفاً اقتصادی داشت، اختلافات ایدئولوژیک، بی‌اعتمادی و خصومت تاریخی میان رهبران دو کشور، (Rubin, 2007: 186) و توسعه برنامه‌های تسلیحاتی عراق در دهه نود سبب می‌شد سوریه، عراق را همچنان یک تهدید ولی با شدت کم محسوب کند.

در ارزیابی تداوم اتحاد ایران- سوریه در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ می‌توان گفت که در آغاز دهه نود تحولاتی در خاورمیانه و نظام بین‌الملل صورت گرفت که اتحاد ایران- سوریه را به شدت متأثر ساخت. با پیروزی ائتلاف غرب به رهبری آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس، فروپاشی شوروی و پایان نظام دو قطبی و آغاز نظام تک قطبی به رهبری آمریکا، شدت تهدیدات بیرونی مشترک بر علیه ایران و سوریه نیز تغییر یافت. برداشت ایران و سوریه از شدت و اهمیت بازیگران تهدیدکننده در دهه نود به ترتیب آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق بود.

با برقراری نظام تک قطبی، خاورمیانه به عرصه ای برای حضور بی‌رقیب آمریکا تبدیل شد و مهار و به حداقل رساندن قدرت ایران و سوریه در دستور کار این کشور قرار

گرفته و مخاطرات بسیار جدی برای امنیت ملی ایران و سوریه ایجاد شد. اسرائیل نیز در سیستم تک قطبی نظام بین‌الملل و خاورمیانه، به دلیل روابط ویژه‌اش با آمریکا فضای مانور بیشتری در مقایسه با دهه هشتاد به دست آورد و تهدیدات شدیدی را برای ایران و سوریه ایجاد کرد. ترکیه در این دهه تهدیدی جدید برای اتحاد ایران - سوریه بود. این کشور با فروپاشی شوروی و همراهی با سیاست‌های توسعه طلبانه آمریکا در آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه و پیمان نظامی با اسرائیل در سال ۱۹۹۶ تهدیدی استراتژیک برای ایران و سوریه ایجاد کرد و عراق با ادامه حکومت صدام حسین و توسعه برنامه‌های نظامی‌اش همچنان به شکل تهدیدی برای ایران و سوریه باقی ماند. در مورد تأثیر اتحاد ایران - سوریه در ایجاد موازنه در دهه نود می‌توان به‌طور خلاصه چنین گفت:

۱- فضای مانور این اتحاد در منطقه در مقابل هژمونی آمریکا به شدت محدود شد. سوریه در ابتدای دهه برای خنثی کردن تهدیدات آمریکا سعی کرد با دنباله روی از آمریکا، تهدیدات این کشور را خنثی کند ولی بعد از بی‌ثمری این سیاست، از اواسط دهه نود به سیاست موازنه روی آورد و به همراه ایران به منظور مقابله با نفوذ آمریکا در خاورمیانه با برقراری روابط با قدرت‌هایی چون روسیه، چین و کره شمالی در حوزه امنیتی و نظامی و با اروپا و ژاپن در حوزه اقتصادی درصدد برقراری موازنه در نظام تک قطبی خاورمیانه بود (Ehteshami and Hinnebusch, 1997:23) و تا حدودی موفق به برقراری موازنه در مقابل آمریکا شد (Goodarzi, 2006: 291-292).

۲- اتحاد ایران - سوریه با حمایت از مبارزه چریکی موثر حزب الله در سرتاسر دهه نود علیه اسرائیل و متحدانش در جنوب لبنان، این رژیم را در جولای ۲۰۰۰ وادار به خروج از لبنان کرد (Goodarzi, 2006:291)، که دستاوردی مهم برای اتحاد ایران - سوریه بود. زیرا اولین بار بود که اسرائیل بدون توافق قبلی ناگزیر از عقب نشینی از بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی می‌شد.

۳- اتحاد ایران - سوریه در برقراری توازن در مقابل ترکیه در نیمه دوم دهه نود ناموفق بود. پس از امضای پیمان نظامی میان ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۹۶ موازنه به نفع ترکیه و به ضرر اتحاد ایران - سوریه به هم خورد. بمباران مناطق مرزنشین غربی ایران از سوی ترکیه به بهانه مبارزه با چریک‌های پ.ک.ک و وادار کردن سوریه به اخراج رهبر پ.ک.ک در اکتبر ۱۹۹۸، نشانه‌های ناکارایی اتحاد ایران - سوریه در مقابل ترکیه بود.

۴- اتحاد ایران - سوریه در برقراری موازنه در مقابل عراق، به دلیل تحریم‌های شدید نظامی و اقتصادی اعمال شده شورای امنیت علیه عراق متعاقب شکست این کشور از

ائتلاف غرب در سال ۱۹۹۱، و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق، هدف خود را که مقابله با تهدید این کشور بود محقق شده می‌دانست.

### نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹، سوریه یکی از اولین کشورها در خاورمیانه بود که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت. ایران و سوریه به دلیل ایدئولوژی مشترک ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی روابط بسیار نزدیکی را پایه‌گذاری کردند و به دلیل تهدیدات مشترک، اتحادی استراتژیک شکل دادند. ایدئولوژی مشترک، عامل اصلی اتحاد ایران - سوریه نبوده است، زیرا ایران در دهه هشتاد در منطقه با کشورهای لیبی و یمن جنوبی نیز در ایدئولوژی ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی شریک و همگام بود ولی به اتحاد میان ایران و این دو کشور منجر نشد. بنابراین در پاسخ به اولین پرسش پژوهش، تهدیدات مشترک عامل اصلی اتحاد ایران - سوریه بوده است و در پاسخ به پرسش دوم تاثیر این اتحاد بر موازنه منطقه‌ای می‌توان بر اساس وضعیت نظام بین‌الملل و منطقه در دهه های هشتاد و نود قضاوت نمود. در دهه هشتاد به دلیل حاکم بودن نظام دو قطبی، اتحاد ایران- سوریه و در برخی موارد با حمایت شوروی آزادی عمل بیشتری در منطقه داشت طوری که در نیمه اول این دهه، اتحاد مذکور نقش مهمی در خنثی‌سازی تهدیدات عراق، اسرائیل و برخی دست‌اندازی‌های آمریکا در خاورمیانه ایفاء کرد. با این حال اتحاد مذکور در نیمه دوم دهه هشتاد در برقراری موازنه تهدید در مقابل ائتلاف آمریکا، عراق و حامیان منطقه‌ایش در جنگ اول خلیج فارس ناموفق اما در مقابل ائتلاف عراق، اسرائیل و آمریکا در شرق مدیترانه (لبنان) موفق بود. در دهه نود با برقراری نظام تک قطبی به رهبری آمریکا و افزایش آزادی عمل این کشور در منطقه خاورمیانه، اتحاد ایران- سوریه در مقابله با تهدیدات مشترک آمریکا، اسرائیل و ترکیه فضای مانور محدودی داشت. از این رو ایران و سوریه برای مقابله با این تهدیدات با اتکا به منابع داخلی و با گسترش روابط نظامی و امنیتی با روسیه، چین و کره شمالی و با گسترش روابط اقتصادی با اروپا و ژاپن در صدد ایجاد موازنه در برابر تهدیدات مذکور برآمدند. با توجه به اقدامات فوق اتحاد ایران- سوریه به ترتیب در خنثی سازی تهدیدات آمریکا تا حدودی موفق، در مقابل ترکیه ناموفق و در برابر اسرائیل موفق بود. در مقابله با تهدیدات عراق به دلیل اینکه این کشور بعد از شکست از ائتلاف غرب در سال ۱۹۹۱ به وسیله قطعنامه‌های شورای امنیت مهار شده و در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی به

شدت منزوی شده بود هدف خود که خنثی سازی تهدیدات این کشور بود محقق شده می‌دید.

در واقع یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به چهار اصل کلی قابلیت‌های کلی، مجاورت جغرافیایی، قابلیت تهاجمی و نیت تهاجمی برداشت شده در نظریه موازنه تهدید استیون والت، عراق، اسرائیل و آمریکا در دهه هشتاد و آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود به ترتیب به عنوان تهدیدات مشترک منطقه ای، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری و تداوم اتحاد ایران و سوریه داشته اند و فرضیه این مقاله که اتحاد ایران-سوریه به منظور موازنه در مقابل تهدیدات مشترک منطقه‌ای یعنی عراق، اسرائیل، آمریکا در دهه هشتاد و آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عراق در دهه نود بوده به اثبات می‌رسد.

منابع فارسی:

کتاب‌ها:

- اسدی، بیژن (۱۳۸۷)، سیاست خارجی دولت اصلاحات: موفقیت‌ها و شکست‌ها، تهران: انتشارات باز
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴)، سیاست‌های خارجی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۰)، ایران و حقوق بین‌الملل، تهران: پازینه.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات آوای نور.
- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- هسن، برت و دیگران (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی «قدرت از دست رفته»، ترجمه سید امیر نیاکوئی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

مقالات:

- احتشامی، انوشیروان «سیاست خارجی ایران» هینه بوش ریموند و انوشیروان احتشامی (ویراستاران) (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمن قهرمان پور، مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۵۳۸-۴۹۷.



علل شکل‌گیری و  
تداوم اتحاد ایران -  
سوریه ( ۲۰۰۰-  
۱۹۷۹)

- الشازلی، نادیا و ریموند هینه بوش «چالش امنیت در نظام خاورمیانه‌ای پس از جنگ خلیج فارس» در هینه بوش، ریموند و انوشیروان احتشامی (ویراستاران) (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمن قهرمان پور، مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۱۷۴-۱۳۷.
- امیدی، علی (زمستان ۸۶ و بهار ۸۷) «چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه- ای: مطالعه موردی روابط ایران و سوریه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم و پانزدهم شماره ۴ و ۱، صص ۹۹-۱۳۲.
- تریپ، چارلز «سیاست خارجی عراق» در هینه بوش ریموند و انوشیروان احتشامی (ویراستاران) (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمن قهرمان پور، مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۳۵۰-۳۰۹.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و همت ایمانی (۱۳۹۰)، «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه‌های اخیر و پیامدهای آن برای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۰۴-۷۵.
- جونز، کلایو «سیاست خارجی رژیم صهیونیستی» در هینه بوش ریموند و انوشیروان احتشامی (ویراستاران) (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمن قهرمان پور، مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۲۶۴-۲۲۱.
- هینه بوش، ریموند، «سیاست خارجی سوریه» در هینه بوش ریموند و انوشیروان احتشامی (ویراستاران) (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمن قهرمان پور، مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۳۰۸-۲۶۵.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «بررسی الگو و فرایند تقابل‌گرایی آمریکا علیه ایران در سالهای ۲۰۰۸-۱۹۷۹»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷.

#### منابع انگلیسی:

#### کتاب‌ها:

- Ehteshami, Anoushirvan (1995), After Khomeini, London: Routledge.
- Ehteshami, Anoushirvan and Raymond A.Hinnebusch (1997), Syria and Iran Middle Powers in A Penetrated Reginal System, London: Routledage
- Goodarzi, Jubin (2006), Syria and Iran Diplomatic Alliance and Power Politics in the Middle East, London: I.B. Tauris &Co Ltd.
- Hunter, Shireen .T (2010), Iran's Foreign Policy in The Post-Sovit Era, USA: Praeger

- Rubin, Barry (2007), The Truth about Syria, Newyork: Palgrave Mac Millan.
- Hinnebusch, Raymound (2001), Syria Revolution From a bove, Newyork: Routledage.
- Walt, Stephan (1987), The Origins of Alliance, Ithaca: Cornell University Press
- Waltz, Kenneth (1979), Theory of International Politics, Newyork: Random House
- Fayazmanesh, Sasan (2008), The United States And Iran. United States: Routledge.

#### مقالات:

- Goodarzi, Jubin (2013), "Syria and Iran: Alliance Cooperation in A Changing Regional Enviornment", Ortadogu Etuleri, Vol 4, pp 31-54.
- Sun, Degang (2009), "Brother's Indeed: Syria-Iran Quasi-Alliance Revisited", Journal of Middle Eastern And Islamic Studies (In Asia) ,Vol 3, No 2, pp 67-80.
- Gelbart, Jonathan (Fall 2010), "The Iran – Syria Axis: A Critical Investigation", Stanford Journal of International Relations ,Vol XII , No 1,pp36-42.
- Walt, Stephan (1988), "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of South West Asia", International Organization, Vol 42, No2, pp 275-316.



علل شکل گیری و  
تداوم اتحاد ایران -  
سوریه ( ۲۰۰۰ -  
۱۹۷۹)

